

شخصیت سازیهای "صلح" جهان سرمایه



بشریت اکنون ممکن به هیچ راه، طریقت و اندیشه یی که منبع آن سیستم سرمایرداری باشد اعتماد نکند. امپریالیزم که فعلاً به جایگاه گلوبالیستی اش رسیده است به همه آنچه انسان و انسانیت است پشت پا میزند. ولی با آنهم همه اندیشمندان منفعتگرای این سیستم پوسیده دست بدست هم داده، از آنچه واقعیت است دیده می پوشند و آنچه دروغ است به آن شکوه و جلوه بیشتر می دهند.

امروز باز هم به یکی ازین حقه بازیهای دیگر برمیکوریم. آقای باراک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا وارد اسلو پایتخت کشور ناروی شد تا جایزه نوبل صلح به وی اهدا گردد. در مورد اینکه اوباما کیست تردیدی وجود ندارد. اما مطلب روی آن میچرخد که آقای اوباما بخاطر انجام کدام مأموریت صلحجویانه و یا صلحطلبانه اش مورد تقدیر قرار میگیرد؟ چه شهکاری را بخاطر حفظ حقوق و آزادیهای مردم انجام داده است؟ و بالاخره کدام یک از کشور های تحت ستم سرمایه را از قید بدبختی نجات داده است؟

آری! دیده میشود که توسن ایام شدیداً رام آقای اوباما است. زیرا هر جا که خواسته باشد جنگ می افروزد و هر طوری که خواسته باشد آنرا اداره و قوماندانی میکند. این شیوه های کاری کاملاً با روحیه و اهداف بنیاد نوبل در تضاد است.

نخست باید دیده شود که بنیاد نوبل بتاريخ ۲۹ جون ۱۹۰۰ چهار سال بعد از مرگ الفرید نوبل بر پایه وصیت نامه موصوف بنیانگذاری شد.

در مقررۀ این بنیاد که بعدها به کمیته نوبل شهرت یافت ذکر شده: «... جایزه برای آنانی تفویض گردد که در جریان همان سال خدمات بزرگی را برای اکثریت جامعه بشری انجام داده باشد».

و اما جالبتر اینست که در همین مقررۀ در بخش اهدای جایزه نوبل صلح می خوانیم: « به آنانیکه بطور خستگی ناپذیر و یا بهتر از دیگران بخاطر برادری خلقها، زدودن و یا کاهش برخورد های مسلحانه و همچنان تدویر و یا تشویق گردهمایی های صلحجویانه مؤثر واقع شده اند، جایزه صلح نوبل اهدا شود».

در مغایرت با همه نورمهای پذیرفته شده اهدای جایزه نوبل صلح، کمیته مؤظف در زمینه اهدای آن به باراک اوباما توضیح میدارد که: « موصوف افزارهای بنیادی گلوبالیزم سیاسی را در مدت زمان محدودی بطور تعیین کننده به جانب دیالوگ، همکاری و خلع سلاح تغییر داده است».

از کمیته اهدای جایزه نوبل صلح که تفویض آنرا به آقای اوباما تصویب کردند سوال کنیم که کدام یک از نورمهای مقررۀ جایزه نوبل صلح درینجا رعایت شده اند؟

برادری خلقها تبعیض پذیر و سیستم دوست نیست، آیا میتوان برای فردیکه برای سیستم در حال زوال سرمایرداری که بدون شک از جمله سیستم های متجاوز به حقوق بنیادی مردم جهان است و خود نه تنها جنگها را مشتعل میسازد، بلکه به تشویق، ترغیب و تمویل آنها نیز مبادرت میورزد، مسائل ملی را در آنکشور ها دامن میزند و اگر به این لست ادامه دهیم پایان نخواهد داشت، چنین افتخار بینظیر بشردوستی را مناسب دانست؟

آیا آقای اوباما کدام خدمت قابل یادآوری را در زمینه زدودن و یا کاهش برخورد های مسلحانه انجام داده اند، گامی را در جهت خلع سلاح و تسلیحات اتمی گذاشته اند؟

طوری که ذکر شد نورمهای اساسی برای تفویض این جایزه همینها اند. ولی در مورد آقای اوباما اگر ازین واقعیتها دیده پوشی کنیم، به کارنامه هایی برمیخوریم که حتی دموکرات بودن شخص اوباما را زیر سوال میبرد. اینبار جهان شاهد آن است که جایزه به غیر مستحق ترین فرد تعلق میگیرد.

اینکه موصوف توانست از میان دموکراتهای امریکایی در سمت مقتدرترین فرد در ایالات متحده قرار گیرد مربوط میشود به ذکاوت و کارآیی فردی موصوف و دسته یی از دروغهایی که در زمان کمپاین انتخاباتی به مردم امریکا وعده داد و اکثریت آنرا به باد فراموشی سپرد. این مطلب با جایزه نوبل سر و کاری ندارد.

اینکه آقای اوباما در مدت زمان کوتاهی افزار های سیاسی گلوبالیزم را تغییر داد شامل تاکتیک های عملی نمودن گلوبالیزم است. اگر هدف از دیالوگ با کشور های اسلامی است باید به وضاحت اظهار کرد که آقای اوباما خواهان این دیالوگ بخاطر کمک به مردم این کشور ها نیست، بلکه میخواهد آنانرا در چنبره خود داشته باشد تا در زمان مساعد از آنان استفاده کند. این مطلب هم بالای جایزه نوبل مؤثر نیست.

ولی باید گفته شود که آقای اوباما ادامه دهنده راه آقای بووش است. وی به مسدود ساختن زندان گوانتانامو مبادرت نورزید. موصوف به کاهش شبکه وسیعی از زندانها در عراق، افغانستان و اکثریت کشور های اروپایی عضو ناتو نپرداخت که درین تأسیسات انسانها مورد شکنجه ولت و کوب قرار گرفته و امریکایی ها حقوق بشر را در تمام ابعاد آن نقض میکنند. نامبرده چندی پیش بودجه ۱۳۰میلیارد دلری را برای جنگ افغانستان و عراق توشیح و از اعزام ۳۰۰۰۰ سرباز به افغانستان غرض یورش نهایی- یعنی به خاک و خون کشیدن افغانها و ممکن تجاوز به خاک همسایگان افغانستان- سخن راند که در آینده نزدیک عملی خواهد شد. این یورش به زراد خانه بزرگی از سلاحهای ثقیل احتیاج دارد که باز هم عملی میگردد. رئیس جمهور ایالات متحده

آنقدر ها دست باز در افغانستان دارد که گاهی طالبان را دشمن خطاب میکند و زمانی هم با آنان همسو میگردد .

من معتقدم که آقای اوباما مستحق این افتخار نیست، زیرا این شخصیت سازه‌ها عواقب دشواری را در پی خواهد داشت.

11-12-2009